

Analysis of inconsistent positions of PLO leaders against the support of the Islamic Republic of Iran and the Islamic Resistance Front

Mohammad reza Zare khormizi¹

Date of Received: 2023/08/14

Date of Acceptance: 2023/12/28



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

Abstract

With the establishment of the Islamic Republic of Iran and the formation of the Islamic Resistance Front, support for the Palestinian nation became one of the main axes of the political and diplomatic positions of the leaders of the Islamic Republic and the Islamic Resistance Movement. From Palestine, have the leaders of the Palestine Liberation Organization and then the self-governing organizations and their diplomatic missions had a similar performance in supporting the Islamic Republic of Iran and the resistance movement, or have they turned to inconsistent and opposite performance? The data of this article, which was obtained by counting the positions and analyzing the performance of the leaders of the PLO and the self-governing organizations, is that the aforementioned leaders and their diplomatic representatives, who are recognized in the international arena as the representatives of Palestine, in many cases, to the positions and performances They have become inconsistent with the Islamic Republic of Iran and the Islamic resistance movement, so that Palestinian diplomatic representatives in international and regional centers in many situations where they were opinion leaders, not only did not support the Islamic Republic of Iran and the Islamic resistance movement, but also took inconsistent and opposing positions and with the same Inconsistent performance has hit the interests of the Palestinian nation and its freedom ideal, and finally, these positions and inconsistent performance have also led to their own harm.

Keywords: Palestine Liberation Organization (PLO), Islamic Republic of Iran, Islamic Resistance Front, positions incompatible with the cause of Palestinian freedom.

1. Assistant Professor al-Bayt International University (AS)•tehran•iran , khormizi@abu.ac.ir

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

تحلیل مواضع نامتجانس رهبران ساف در قبال حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت اسلامی

محمد رضا زارع خورمیزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

چکیده

با تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و تشکیل جبهه مقاومت اسلامی، پشتیبانی از ملت فلسطین یکی از محورهای اصلی مواضع سیاسی و دیپلماتیک رهبران جمهوری اسلامی و جریان مقاومت اسلامی قرار گرفت. سؤال اینجاست که در مقابل این حمایت‌های بی‌دریغ دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و بلوک مقاومت اسلامی از فلسطین، آیا رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین و سپس تشکیلات خودگردان و نمایندگی‌های دیپلماتیک آن‌ها عملکردی مشابه در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت داشته‌اند و یا به عملکرد نامتجانس و مخالف روی آورده‌اند؟ داده‌های این مقاله که با روش احصاء مواضع و تحلیل عملکرد رهبران ساف و تشکیلات خود گردان به دست آمد این است که رهبران یاد شده و نمایندگان دیپلماتیک آن‌ها که در عرصه بین الملل به عنوان نماینده فلسطین به رسمیت شناخته شده‌اند در بسیاری از مواقع، به مواضع و عملکردهای نامتجانس با جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی روی آورده‌اند به طور که نمایندگی‌های دیپلماتیک فلسطین در مراکز بین‌المللی و منطقه‌ای در بسیاری از موقعیت‌ها که صاحب‌رأی بودند نه تنها از جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی حمایت نکردند بلکه مواضع نامتجانس و مخالف در پیش گرفتند و باهمین عملکرد نامتجانس به منافع ملت فلسطین و آرمان آزادی آن ضربه زده‌اند و نهایتاً این مواضع و عملکرد نامتجانس به ضرر خود آن‌ها نیز منتهی شده است.

واژه‌های کلیدی: سازمان آزادی بخش فلسطین، (ساف) جمهوری اسلامی ایران، جبهه مقاومت اسلامی، مواضع نامتجانس، با آرمان آزادی فلسطین.

۱. استادیار دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. khormizi@abu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، پشتیبانی از ملت فلسطین و آرمان آزادی این سرزمین اسلامی به یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شد. امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار نظام اسلامی، به صراحت بیان کرده بود که فلسطین باید به صاحبان اصلی آن یعنی مردم فلسطین بازگردد و رژیم صهیونیستی باید از صحنه روزگار محو شود (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ۴۹۰/۱۶). بر این اساس، پس از پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی ایران روابط خود با رژیم صهیونیستی و حامی اصلی آن یعنی ایالات متحده آمریکا را قطع کرد و حمایت همه‌جانبه از ملت فلسطین و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به‌عنوان نماینده سیاسی مردم فلسطین در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد (کیوان، ۱۴۲۲: ۱۰۲). در راستای این سیاست، سفارت رژیم صهیونیستی در تهران به سازمان آزادی‌بخش فلسطین تحویل داده شد (امیری، ۱۳۸۴: ۷۲) و صلاح زواوی (Salah Zawawi) برای مدت حدود چهل سال به‌عنوان سفیر ساف و سپس دولت خودگردان فلسطین در تهران مستقر بود و مورد تکریم قرار داشت (هانی زاده، ۱۳۹۶: ۱). بعد از او نیز دخترش، سلام زواوی (Salam Zawawi)، به‌عنوان سفیر فلسطین در ایران پذیرفته شد. همچنین، کلیه مراکز دیپلماتیک ایران در خارج از کشور به حمایت از ملت فلسطین و آرمان آزادی این سرزمین موظف شدند. این موضع جمهوری اسلامی ایران در حمایت از فلسطین از زمان تشکیل نظام اسلامی تا به امروز ثابت و پایرجا بوده است (قنديل، ۱۳۹۶: ۱). دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در تمامی مجامع بین‌المللی، در حمایت از مواضع فلسطینیان حتی یک بار نیز تردید به خود راه نداده و در تمامی رأی‌گیری‌های بین‌المللی نیز به نفع فلسطین رأی داده است. و جمهوری اسلامی ایران همواره به دلیل به رسمیت شناخته شدن ساف و تشکیلات خودگردان به‌عنوان نماینده رسمی فلسطین در سطح بین‌الملل، از آنها حمایت کرده است. همچنین، هرگاه شهرهای تحت حاکمیت حکومت خودگردان مورد تجاوز رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند، جمهوری اسلامی ایران بیشترین تلاش‌ها را در سطح بین‌المللی و جهان اسلام برای کمک به فلسطینیان و جلوگیری از آسیب بیشتر به آنان انجام داده است. حمایت بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران از ملت فلسطین و تشکیل جبهه مقاومت اسلامی ضد صهیونیستی، موجب شکل‌گیری جنگ ترکیبی از جمله جنگ دیپلماتیک آمریکا، غرب و رژیم‌های هوادار آنها علیه جمهوری اسلامی ایران شد. با این حال، این فشارها نتوانست جمهوری اسلامی را از موضع حمایتی خود از ملت فلسطین و آرمان آزادی این سرزمین منحرف کند.

با این مقدمه، سؤال اصلی پژوهش این است که در مقابل این حمایت‌های بی‌دریغ دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی، آیا رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین و نمایندگی‌های دیپلماتیک آنها نیز عملکرد مشابهی در حمایت از جمهوری اسلامی و جریان مقاومت داشته‌اند یا عملکردی نامتجانس و مخالف اتخاذ کرده‌اند؟

فرضیه اصلی این پژوهش این است که رهبران ساف و تشکیلات خودگردان در بسیاری از مواقع به مواضع





و عملکردهای نامتجانس با جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت روی آورده‌اند و نمایندگی‌های دیپلماتیک فلسطین در مراکز بین‌المللی و منطقه‌ای، در بسیاری از مواقع نه‌تنها از جمهوری اسلامی حمایت نکرده‌اند بلکه مواضعی مخالف اتخاذ کرده‌اند که به منافع ملت فلسطین و آرمان آزادی آن لطمه زده است.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و شیوه گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای، میدانی (مصاحبه) و بهره‌گیری از منابع دیجیتال بوده است. محدوده زمانی پژوهش از بهمن ۱۳۵۷ تا بهمن ۱۴۰۳ (معادل ۴۶ سال) و محدوده مکانی آن شامل فلسطین، کشورهای پیرامون آن، جمهوری اسلامی ایران و نظام‌های حمایت‌کننده از جریان مقاومت ضد صهیونیستی می‌باشد.

ضرورت تحقیق

مسئله فلسطین از دیرباز یکی از مهم‌ترین موضوعات جهان اسلام و محور اصلی منازعات سیاسی و دیپلماتیک منطقه بوده است. با وجود گستردگی آثار منتشر شده در زمینه فلسطین، کمبود قابل توجهی در تحلیل مواضع و سیاست‌های سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و سپس تشکیلات خودگردان در قبال حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی مشاهده می‌شود. این در حالی است که روابط ایران با فلسطین و جریان‌های مقاومت از زوایای مختلف، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر معادلات منطقه‌ای و تقویت جبهه مقاومت داشته است. با توجه به نقش کلیدی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از فلسطین و نقش تاریخی ساف در رهبری مبارزات فلسطینی، بررسی عملکرد ساف و تشکیلات خودگردان در مواجهه با این حمایت‌ها ضروری است. همچنین این پژوهش از این جهت ضروری است که با محوریت تحلیل سیاست‌های ساف و تشکیلات خودگردان در قبال جمهوری اسلامی ایران، گامی مهم در پر کردن خلأهای موجود در ادبیات پژوهشی این حوزه به شمار می‌رود و می‌تواند شکاف موجود در مطالعات پیشین را پر می‌کند و با تحلیل عملکرد و مواضع رهبران ساف و تشکیلات خودگردان نسبت به جریان مقاومت اسلامی، به درک بهتر از تأثیرات دوگانه این روابط بر آرمان آزادی فلسطین بپردازد.

پیشینه

فلسطین، پس از اشغال توسط رژیم صهیونیستی، همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات جهان اسلام بوده و تاکنون انبوهی از آثار مختلف در این زمینه ارائه شده است. با این حال، در مورد سیاست خارجی، مواضع و عملکرد متقابل رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و سپس تشکیلات خودگردان در قبال حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی، آثار کمتری ارائه شده است. با توجه به محدودیت منابع در این حوزه، این پژوهش به تحلیل عملکرد و مواضع رهبران ساف و تشکیلات خودگردان در این خصوص می‌پردازد. برخی از

آثاری که می‌توانند به نوعی مصادیق موضوع این پژوهش را تحت پوشش قرار دهند عبارتند از:

۱. اهداف سیاست خارجی ساف در فلسطین اشغالی (۱۹۸۸-۱۹۶۴)، نوشته محمود نورانی (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۶). این کتاب به روابط ساف با جهان خارج، از جمله کشورهای عربی (ص ۱۶۸-۱۱۳)، آمریکا، شوروی، چین، و اروپای غربی (ص ۲۱۲-۱۸۷) پرداخته است. با این حال، به روابط این سازمان با جمهوری اسلامی ایران کمتر پرداخته شده است.

۲. ایران و سازمان آزادی‌بخش فلسطین، نوشته جهانبخش ثاقب (شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱). این کتاب به روند روابط جمهوری اسلامی ایران و ساف با تکیه بر "الفتح" و رهبری یاسر عرفات در ده سال اول انقلاب می‌پردازد و موضوعات مهمی نظیر ساف و جنگ تحمیلی عراق، جنگ داخلی در ساف، و عوامل ناکامی و انحراف ساف را بررسی می‌کند. با اینکه این کتاب با موضوع پژوهش ارتباط مستقیم دارد، به دلیل محدودیت زمانی تنها بخشی از محدوده زمانی مورد نظر این پژوهش را پوشش می‌دهد.

۳. جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین، نوشته دکتر علی اکبر ولایتی (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷). این کتاب به ارزیابی پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر تحولات فلسطین، جنگ تحمیلی، تیرگی روابط ایران و ساف، و عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری انتفاضه اول و الهام‌گیری آن از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) پرداخته است. همچنین به انتفاضه الاقصی و پیروزی حماس در انتخابات و پیامدهای آن اشاره کرده است.

۴. مقاله «عرفات؛ از مقاومت رانده و در مذاکره مانده»، نوشته احمدرضا روح‌الله‌زاد (خبرگزاری بین‌المللی قدس، تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۸/۲۱). این مقاله به شرح مختصری از فعالیت‌های یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، از مقاومت تا مذاکره می‌پردازد. بخشی از مقاله به روابط عرفات با آمریکا، رژیم صهیونیستی، و صدام حسین پرداخته است که با موضوع پژوهش مرتبط است؛ با این حال، این مقاله به‌طور جامع به موضوع اصلی این پژوهش نمی‌پردازد.

۵. العلاقات الإيرانية الفلسطينية وأثرها على المقاومة، نوشته حسان نوفل (القاهرة: المركز العربي للدراسات، ۲۰۱۹). این کتاب به تحلیل جامع روابط میان ایران و فلسطین، به ویژه نقش جمهوری اسلامی در تقویت جبهه مقاومت فلسطینی پرداخته است و یکی از منابع مهم در زمینه سیاست خارجی ایران در قبال فلسطین به‌شمار می‌آید.

۶. تاریخ العلاقات الإيرانية الفلسطينية، نوشته عبد الله الشامي (بیروت: دار الفارابی، ۲۰۱۸). این کتاب به تحلیل تاریخی روابط میان ایران و فلسطین و نقش سازمان آزادی‌بخش فلسطین در مواضع سیاسی منطقه‌ای می‌پردازد.

مفاهیم

۱. حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از فلسطینیان: منظور از این عبارت، حمایت‌های چندوجهی و



گسترده‌ای است که از سوی دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران نسبت به ملت فلسطین و حاکمیت فلسطینی صورت گرفته است. این حمایت‌ها حداقل شامل ده بعد اصلی می‌باشد که عبارت‌اند از: سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، نمادهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، ادبی، ورزشی، و رسانه‌ای. در این پژوهش، تمرکز بر حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی است.

۲. سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) (Palestine Liberation Organization (PLO)) به عنوان کنفدراسیونی از احزاب و گروه‌های فلسطینی است که در سال ۱۹۶۴ میلادی تأسیس شد و از سال ۱۹۷۴ به عنوان نماینده رسمی فلسطین در سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. این سازمان دارای سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های رسمی در بسیاری از کشورهای جهان است که با نام نمایندگی‌های "فلسطین" شناخته می‌شوند. با این حال، باید توجه داشت که ساف با تشکیلات خودگردان فلسطین که به مدیریت امور داخلی بخش‌هایی از سرزمین‌های فلسطینی می‌پردازد، متفاوت است. ساف به عنوان نماینده رسمی فلسطین در عرصه بین‌المللی عمل می‌کند، در حالی که تشکیلات خودگردان عمدتاً به مدیریت اجرایی مناطق فلسطینی نشین کرانه باختری رود اردن می‌پردازد.

۳. تشکیلات خودگردان فلسطینی (Palestinian Authority (PA)) تشکیلات خودگردان فلسطینی یک نهاد اجرایی است که تحت نظارت حزب فتح قرار دارد و پس از پیمان اسلو (Oslo Accords) در سال ۱۹۹۳ برای مدیریت مناطق خودگردان فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه تأسیس شد. این تشکیلات در اصل وظیفه مدیریت امور داخلی و خدمات عمومی را در برخی از مناطق فلسطینی نشین دارد. در سال ۲۰۰۷، با وقوع اختلافات داخلی فلسطین، کنترل نوار غزه به دست حماس افتاد و تشکیلات خودگردان قدرت خود را در این منطقه از دست داد. به موجب پیمان اسلو، مدیریت برخی از مسائل امنیتی و کشوری به تشکیلات خودگردان تفویض شد، اما بسیاری از مناطق، از جمله شهرک‌های اسرائیلی نشین، دره اردن، و جاده‌های ارتباطی بین مناطق فلسطینی نشین تحت کنترل انحصاری اسرائیل باقی ماندند و بیت‌المقدس شرقی نیز از شمول این پیمان مستثنی شد. رهبری ساف و تشکیلات خودگردان ابتدا در اختیار یاسر عرفات و سپس محمود عباس قرار داشت. این رهبران، اگرچه قدرت رسمی محدودی را در برخی از بخش‌های سرزمین فلسطین به دست آوردند، اما به دلیل عدم حاکمیت مستقل کامل، از نظر حقوق بین‌الملل به عنوان یک نهاد رسمی مستقل شناخته نمی‌شوند. در واقع، این رهبری توانسته است سه وجه اصلی تشکیل یک واحد سیاسی شامل سرزمین، جمعیت و حکومت را کسب کند، اما فاقد وجه چهارم یعنی حاکمیت مستقل می‌باشد.

۴. حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) (Islamic Resistance Movement - Hamas)، حداقل ده گروه، حزب و سازمان سیاسی دیگر در عرصه فلسطین فعالیت دارند. که مهم‌ترین آنها "حرکت مقاومت اسلامی فلسطین" (حماس) است که در انتخابات سال ۲۰۰۶ موفق شد با شکست ساف، کابینه ملی فلسطین را در کرانه

باختری و نوار غزه تشکیل دهد. اما پس از کودتای داخلی، محمود عباس و محمد دحلان، حماس کنترل خود را در کرانه باختری از دست داد. با این وجود، حماس همچنان توانست حاکمیت خود را در نوار غزه حفظ کند. به‌رغم این تحولات، در سطح بین‌المللی همچنان ساف به عنوان نماینده رسمی فلسطین شناخته می‌شود و دارای حق رأی در مجامع منطقه‌ای، اسلامی و عربی است.

۵. تحلیل مواضع نامتجانس: منظور از این اصطلاح، شناسایی و بررسی مواضعی است که از سوی رهبری ساف و تشکیلات خودگردان فلسطینی در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت اسلامی اتخاذ شده است. این پژوهش تمرکز خود را تنها بر مواضع نامتجانس و مخالف قرار داده و به مواضع موافق و همسو نمی‌پردازد. این تحلیل، به بررسی تفاوت‌های سیاست‌گذاری، عملکردهای دیپلماتیک، و تأثیر این مواضع بر روابط دو طرف پرداخته و تلاش می‌کند و نقش این مواضع را در پیچیدگی مسئله فلسطین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت مشخص می‌کند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۸

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

گونه‌شناسی تاریخی مواضع ساف در قبال حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران

سازمان آزادی‌بخش فلسطین، با تأسیس نظام اسلامی در ایران، به پشوانه‌ای بسیار قوی و بانگیزه دست یافت. یاسر عرفات رییس ساف نخستین رهبر خارجی بود که به دیدار امام خمینی (ره) نائل شد. او در مراسم تبدیل سفارت رژیم صهیونیستی به سفارت فلسطین در تهران اعلام کرد: "من در کنار شما تعهد می‌کنم که تحت رهبری امام بزرگ خمینی همه با هم سرزمین فلسطین را آزاد کنیم... و تحت پرچم امت اسلامی واحد به طرف فلسطین با انقلابیون مسلمان ایران خواهیم رفت." (روزنامه اطلاعات، ۱ اسفند ۱۳۵۷).

همراهی با نظام اسلامی ایران در جهان اسلام و عرب به عنوان یک حامی بانگیزه و مقتدر، صد درصد به نفع مبارزان فلسطینی و آرمان آزادی فلسطین بود و روابط ایران با فلسطین را وارد مرحله جدیدی کرد (ولایتی، ۱۳۸۷، مقدمه). با این حال، با آشکار شدن دشمنی‌های غرب و رژیم‌های هم‌پیمان آن با نظام اسلامی، انتظار می‌رفت که سازمان آزادی‌بخش فلسطین به عنوان قدردانی از حمایت‌های جمهوری اسلامی، حداقل جهت تعدیل این دشمنی‌ها علیه جمهوری نوپای اسلامی ایران، خصوصاً در دنیای عرب، وارد عمل شود. با این حال، برخی مواضع و عملکردهای این سازمان مطابق آنچه انتظار می‌رفت، نبود که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مواضع ساف در قبال قتل عام و آوارگی ایرانی‌تباران توسط رژیم بعث عراق

مدت کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رژیم بعث عراق موج دوم قتل، آزار و آواره کردن بخش قابل توجهی از ساکنان عراق را به بهانه ایرانی‌تبار بودن آغاز کرد علاوه بر این جوانان ایشان را به عنوان گروگان در عراق نگاه داشت و بعدها ۹ تا ۱۲ هزار نفر از آنان را در «اردوگاه نگره السلمان» (Nugra al-Salman Camp) قتل عام کرد. (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۷۱-۹۶) این اقدامات غیرانسانی رژیم بعث مورد محکومیت بسیاری از کشورها



و جریان‌ات سیاسی جهان قرار گرفت ولی هیچ سندی در محکومیت این اقدامات از جانب سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) که آن زمان نماینده رسمی فلسطینیان به شمار می‌رفت دیده نمی‌شود دلیل آن نیز روابط خوبی بود که یاسر عرفات با دیکتاتور وقت عراق یعنی صدام داشت این در حالی بود که اقدامات بعثی‌های عراق در غصب خانه‌ها و آوارگی و قتل عام مسلمانان عجم تبار دقیقاً شبیه اقدامات رژیم صهیونیستی علیه مردم مسلمان فلسطین بود و از رهبران سیاسی فلسطینی که این‌گونه مظالم را علیه ملت خود لمس کرده بودند بیشتر انتظار می‌رفت که چشم خود را بر این اقدامات غیرانسانی بعثی‌ها نبندند.

۲، حمایت ساف از صدام حسین در زمان تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی ایران

در شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعث عراق به ایران تهاجم نظامی نمود و جنگی را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد که هشت سال طول کشید در این تجاوز نظامی مساحتی از خاک جمهوری اسلامی در حد کشور لبنان به تصرف بعثی‌های عراق درآمد و هزاران نفر از مردم غیرنظامی ایرانی کشته، مجروح و آواره شدند و حکومت‌های عربی با محوریت سعودی‌ها از تجاوز صدام حمایت بی‌شائبه‌ای کردند. و تنها کشورهای لیبی، سوریه و تا حدی الجزایر بودند که از تجاوز صدام حمایت نکردند. (Rajae, ۲۵۱، ۱۹۹۳) طبعاً انتظار می‌رفت رهبران ساف نیز که خود رنج ملت خویش را از تجاوز، اشغال و آوارگی دیده بودند نسبت به محکومیت متجاوز تردید نکنند، چراکه صدام با حمله به جمهوری اسلامی ایران و دامن زدن به دعوای عرب و عجم موضوع فلسطین را در جهان عرب از حالت محوری به یک مسئله حاشیه‌ای تبدیل می‌کرد ولی متأسفانه مقامات ساف که آن زمان نماینده رسمی سیاسی فلسطین به شمار می‌رفتند حداقل موضع بی‌طرفی نیز اتخاذ نکردند بلکه به‌به نفع متجاوزان بعثی و علیه نظام اسلامی ایران موضع‌گیری کردند (رجبی، ۱۳۹۶: ۵۵۴۳) یاسر عرفات رئیس وقت سازمان آزادی‌بخش فلسطین، دو هفته پس از آغاز جنگ در پاییز ۱۳۵۹ به بغداد سفر نمود و از صدام به‌عنوان یکی از رهبران بزرگ جهان عرب تجلیل کرد! وی اگرچه بعد از سفر به عراق همراه هیئت صلح به ایران آمد، ولی از معرفی عراق به‌عنوان متجاوز خودداری کرد (زاد، ۱۳۹۷، کد ۳۲۰۳۴۴) عرفات از موضع جمهوری اسلامی مبنی بر آتش‌بس همراه با عقب‌نشینی نیروهای متجاوز صدامی حمایت صریح نکرد (ر.ک: ثاقب، ۱۳۸۱) این در حالی بود که در همان ایام شهرهای مرزی ایران همانند حمله صهیونیست‌ها به شهرهای فلسطینی مورد شدیدترین حملات علیه مردم غیرنظامی توسط ارتش اشغالگر بعث عراق بود و این چیزی نبود که از دید رهبران فلسطینی پنهان باشد. این حمایت عرفات از صدام در حالی بود که رژیم بعث عراق در حال توطئه علیه فلسطینی‌ها بود و صدام دستور ترور دهها نفر از سران جنبش فتح را، که در کشورهای دیگر بودند نظیر شهید ابو عیاد و ابوالهول، صادر کرده بود. (نقاش، ۱۳۹۷، ۱).

ساف به‌عنوان نماینده فلسطین در سازمان‌های بین‌المللی نظیر اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان عدم تعهد حق رأی داشت ولی نه تنها از رأی فلسطین علیه رژیم اشغالگر بعث اقدام نکرد بلکه از حق رأی خود به نفع رژیم صدام استفاده نمود به‌طوری‌که بیانیه‌های متعددی از طرف اتحادیه عرب در حمایت از صدام

و علیه نظام اسلامی ایران در طول جنگ صادر شد (رک: موسوی، ۱۴، ۱۳۷۷) و تنها نماینده سوریه به آن تحفظ داشت و به مخالفت می پرداخت (شریف زاده، ۱، ۱۳۹۵) و از مخالفت نماینده فلسطین خبری نبود، حمایت ساف از تجاوز صدام تنها منحصر به حمایت سیاسی و دیپلماتیک نبود بلکه یکی از شگفتی های تاریخ جنگ ایران و عراق این بود که ساف شرایط جذب نیرو از فلسطینیان برای پیوستن به متجاوزان بعثی را فراهم کرد لذا برخی از فلسطینیان به رغم این که کشور آن ها توسط صهیونیست های متجاوز اشغال شده و ملت خودشان زیر آماج حملات رژیم صهیونیستی قرار داشت به صف نظامیان بعثی برای تجاوز به خاک جمهوری اسلامی پیوستند. تعدادی از داوطلبان فلسطینی در جریان تجاوز صدام به ایران کشته و اسیر شدند و اسرای فلسطینی در ایران بعد از پایان جنگ با وساطت شیخ احمد یاسین رهبر وقت حماس آزاد شدند، (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳، کد ۸۱۴۹۰۲۴۰).

۳، عملکرد متقابل ساف در تجاوزات نظامی مشابه

۳-۱، حمایت ساف از حمله نظامی صدام به کویت

حمایت از تجاوزگری صدام توسط رهبران فلسطینی تنها منحصر به حمایت آن ها از تجاوز به جمهوری اسلامی ایران نبود، بلکه سران ساف و برخی دیگر از گروه های فلسطینی در جریان تجاوز صدام به یک کشور اسلامی دیگر، یعنی کویت، باز مجدداً از متجاوز یعنی صدام حمایت کردند، این در حالی بود که کویتی ها از ده ها ساف پیش حدود سیصد الی چهارصد هزار فلسطینی را پناه داده بودند و از کمک های مالی بی دریغ خود بهره مند ساخته بودند (هانی زاده، ۱۳۹۶: ۱)، حمایت ساف از صدام حتی بعد از حمله به عربستان و تصرف شهر مرزی خفجی نیز ادامه یافت البته کویتی ها و سعودی ها همچون ایرانیان نبودند که نسبت به حمایت فلسطینیان از صدام متجاوز عکس العمل شدید نشان ندهند؛ آن ها بعد از آزادی کویت از اشغال صدام، از فلسطینی های مقیم کویت که به میزبانان خود خیانت و از متجاوزان بعثی حمایت کرده بودند انتقام سختی گرفتند و به تعبیر برخی رسانه ها آن ها را سلاخی کردند، بقیه را به طرز اهانت آمیزی اخراج کردند، به طوری که از حدود چهارصد هزار فلسطینی ساکن کویت قبل از اشغال عراق، پنجاه هزار بیشتر باقی نماندند کویتی ها همچنین کمک های مالی خود نسبت به فلسطینیان را قطع کردند و حتی بسیاری از زنان و مردان کویتی که همسر فلسطینی داشتند به دلیل فضای ضد فلسطینی در جامعه کویت ناچار شدند از هم جدا شوند و همسران فلسطینی خود را طلاق بدهند! (هانی زاده، ۱۳۹۶: ۱)

حمایت های ساف و سپس تشکیلات خودگردان از صدام معدوم تنها محدود به زمان حیات این دیکتاتور نبود بلکه پس از اعدام وی نیز مقامات ساف خیابان و میدان به نام او نام گذاری کردند این در حالی بود که بعد از سقوط صدام اسناد و مدارک جنایات وی شامل قتل عام غیر نظامیان، گورهای دسته جمعی، شکنجه گاه ها، حملات شیمیایی علیه غیر نظامیان و... بر جهانیان آشکار گردید ولی تمام این ها باعث نشد که مقامات ساف از برقراری مجسمه صدام در سرزمین های اشغالی خودداری نمایند! (۸۰۸۸۸/ensafnews.com)



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بای جهان اسلام
جمعه نرسانف العالم الاسلامی

۱۰

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

۳-۲، حمایت ساف از دخالت نظامی عربستان سعودی در بحرین

عملکرد رهبران ساف نشان می‌دهد که آن‌ها در موضع‌گیری‌های بعدی خود نیز در حمایت از متجاوز تردید به خود راه ندادند، به‌طوری‌که وقتی در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ عربستان سعودی با حمایت آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی، به دخالت نظامی در بحرین برای سرکوبی انقلاب مردمی کرامت اقدام کرد. (Butler, ۱, ۲۰۱۶) باز مقامات سیاسی فلسطینی نه تنها از محکومیت آن خودداری کردند بلکه به علاقات خود نسبت به سعودی‌ها و رژیم فرقه‌گرایی بحرین افزودند. محمود عباس رئیس ساف همگامی کاملی با طرح آمریکا در تجاوز نظامی سعودی به بحرین داشت، عدم همدردی مسئولان و رسانه‌های تشکیلات خودگردان با مردم بحرین در حالی بود که بین ملت بحرین و ملت فلسطین مشترکات زیادی وجود دارد و مسلمانان شیعه بحرین که اکثریت جمعیت این کشور را شامل می‌شوند همواره از حامیان آرمان آزادی فلسطین بوده‌اند. (<https://irna.ir/xjDMfz>)

۳-۳، امضای ساف ذیل طرح اخراج سوریه از اتحادیه عرب

نظام سوریه و مردم مسلمان این کشور از زمان اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها، در زمره بهترین میزبانان فلسطینیان به شمار می‌رفتند و هنگامی که انور سادات رئیس‌جمهور وقت مصر با سفر به سرزمین‌های اشغالی و سازش با رژیم صهیونیستی به آرمان آزادی فلسطین خیانت کرد و از اتحادیه عرب اخراج شد، نظام سوریه به تشکیل جبهه پایداری اعراب به حمایت از فلسطینیان پرداخت و گروه‌های مبارز فلسطینی را مورد حمایت قرارداد و از مقاومت اعراب در مقابل رژیم صهیونیستی حمایت کرد. fardanews.com/fa/tiny/news-106756

ولی پس از آغاز تحرکات مخالفان دولت سوریه در ۱۵ مارس ۲۰۱۱، هنگامی که این کشور در یک طرح پیچیده غربی-عبری-عربی به یک جنگ داخلی نفس‌گیر کشیده شد رهبران ساف تمام مساعدت‌های قبلی نظام سوریه را به فراموشی سپردند بلکه محمود عباس به شرکت در نشست‌های ضد سوری پرداخت و امضای خود را پای بیانیه اخراج سوریه از اتحادیه عرب نهاد حمایت ساف از مخالفان مسلح دولت سوریه همان کاری بود که نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز انجام داد و سرمست از نابودی ارتش و زیرساخت‌های سوریه، رژیم اسرائیل را در کنار جبهه مخالفان دولت سوریه اعلام می‌کرد و دستور بازگشایی مرزهای رژیم صهیونیستی را جهت پذیرش و مداوای مجروحان مخالفان دولت سوریه صادر می‌کرد در دوران جنگ داخلی سوریه مقامات ساف در طرفی قرار گرفتند که در آن طرف، اوپاما، نتانیاهو، بن سلمان، اردوغان، قرضاوی، زرقاوی، ابوبکر بغدادی، جولانی و انبوه ماجراجویان و تروریست‌های خارجی از آمریکا، اروپا، روسیه (چچن) و ممالک عربی قرار داشتند و در طرف مقابل آن‌ها رهبران جریان مقاومت اسلامی نظیر سید علی خامنه‌ای، سید حسن نصرالله، احمدی‌نژاد، بشار اسد، قاسم سلیمانی، ابو مهدی مهندس و مدافعان حرم قرار گرفتند که البته پیروزی با جبهه مقاومت اسلامی بود.

۲/۳/۱۳ سابقه دخالت نافرجام ساف در تغییر نظام سیاسی کشورهای همسایه فلسطین

تاریخ معاصر نشان می‌دهد این‌گونه اقدامات نافرجام رهبران فلسطینی برای تغییر نظام حاکم کشورهای





همسایه فلسطین، منحصر به سوریه نبود چراکه رهبران ساف قبلاً نیز تلاش نافرجام دیگری برای تغییر نظام کشور همسایه دیگر فلسطین یعنی اردن انجام داده بودند یاسر عرفات رهبر وقت سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۷۰ اعلام کرد که بیش از ۷۰ درصد مردم اردن، فلسطینی هستند و باید کوشید حکومت اردن را از پادشاهی هاشمی خارج کرد، این موضع‌گیری و اقدامات عملی پس از آن موجب شد، ملک حسین، شاه اردن نهایت سوءاستفاده را از این مواضع نماید کرده و در ماه سپتامبر همان سال دستور حمله ارتش اردن به فلسطینیان را صادر کند، درگیری‌های اندوه‌بار آن زمان بین ارتش اردن و ساف به کشته شدن حدود بیست هزار فلسطینی انجامید که در تاریخ فلسطین به سپتامبر سیاه (Black September) معروف گشت. متعاقب این تحولات، عرفات از امان فرار کرد و مقر ساف نیز به بیروت منتقل شد. (Avi، ۲۰۰۷، ۳۰۲-۳۰۱)

۲-۳-۴، موضع نامتجانس ساف در قبال دولت عراق بعد از صدام

پس از سقوط صدام حسین در ساف ۲۰۰۳ مردم عراق موفق شدند در یک پروسه‌ای دموکراتیک با هدایت مرجعیت دینی از طریق مسالمت‌آمیزترین راه یعنی صندوق رأی مسئولان سیاسی خود را انتخاب کنند، ولی این پروسه موردپذیرش رژیم صهیونیستی و رژیم‌های پادشاهی عرب همسایه عراق نظیر سعودی، اردن و... نبود چراکه بخشی از مسئولان سیاسی جدید عراق به جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت ضد صهیونیستی نزدیک بودند لذا برای مقابله با آن‌ها، این کشور نیز همانند سوریه در یک طرح پیچیده غربی، عبری، عربی عرصه حضور پر تعداد تروریست‌های تکفیری خارجی قرار گرفت که هدفی جز ناامن کردن عراق و سرنگونی دولت جدید این کشور نداشتند لذا سراسر شهرهای عراق شاهد انفجارهای خونین و انتحاری و قتل و مجروحیت پلیس عراق، مردم غیرنظامی و زائران اماکن مقدس گردید، از شگفتی‌های دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی این بود که رهبران ساف در این برهه تاریخی به موضع و عملکردی نامتجانس با مصالح امت اسلامی روی آوردند به این صورت که مسئولان وقت ساف در کرانه باختری اجازه دادند بازماندگان بعث عراق و سلفی‌های فرقه‌گرا در میان فلسطینیان علیه مسلمانان شیعه عراقی به تبلیغ و جذب نیروی انتحاری بپردازند لذا تعداد قابل توجهی از فلسطینیان و حتی فلسطینیان ساکن اردن خود را به صف انتحاری‌های خارجی در عراق رساندند، مطابق آمار رسمی دولت عراق تعداد تروریست‌های انتحاری که از فلسطین و اردن خود را به عراق رسانده و در کوچه و بازار و اماکن مقدس همچون مساجد و زیارتگاه‌ها به عملیات تروریستی اقدام کردند، به نسبت از داوطلبان انتحاری کشورهای دیگر بیشتر بود، طبق گزارش پلیس عراق در یک دوره ده‌ساله از ۲۰۰۳ (سال سقوط صدام) تا ۲۰۱۳ تعداد ۱۲۰۶ انتحاری با تبار اردنی و فلسطینی خود را در میان مردم عراق منفجر کردند. (GRC/shia-news.com، ۲۰۰۰)

این در حالی بود که در همان دوره تروریست‌های انتحاری از عربستان سعودی که مرکز افکار سلفیه تکفیری بود، کمتر از چهارصد نفر بود، این نشان می‌داد که تکفیری‌های فلسطینی متأثر از قرائت اسلام وهابی سعودی در کشتن مسلمانان هوادار مقاومت اسلامی حتی از تکفیری‌های عربستان نیز حریص‌تر هستند!!، این در حالی است



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت دراست العالم الاسلامی
انجمن مطالعات جهان اسلام

که معمول مسلمانان قربانی حملات تکفیری ها، حامی جبهه مقاومت ضد صهیونیستی به شمار رفته و می‌روند و شگفت اینجاست که در هیچ دوره‌ای از تاریخ ۷۵ ساله اشغال فلسطین دیده نمی‌شد که ۱۲۰۶ فلسطینی و اردنی فلسطینی تبار در یک مدت زمانی خاص به صورت هماهنگ در میان صهیونیست‌های اشغالگر که جان و مال و ناموس و خاک آن‌ها را مورد هجمه قرار داده‌اند خود را منفجر کنند و اساساً این تعداد فلسطینی که برای کشتن مسلمانان پیرو جبهه مقاومت خود را منفجر کردند اگر خود را بین صهیونیست‌های متجاوز منفجر می‌کردند صهیونیست‌ها به طور گسترده‌ای سرزمین فلسطین را ترک می‌کردند و رژیم صهیونیستی به اضمحلال خود نزدیک می‌شد و ملت فلسطین به خواسته‌های به حق خود می‌رسید، علاوه بر این مطابق آمار بین پنجاه تا شصت درصد از اردنی‌ها فلسطینی تبار هستند و برخی رهبران برجسته شاخه القاعده در عراق نظیر ابو مصعب زرقاوی از اردن بودند و برخی رهبران فلسطینی ناراحتی خود را از کشته شدن زرقاوی، فرمانده شاخه گروه تروریستی القاعده عراق که مسئول کشته شدن صدها کودک و زن و مرد غیر نظامی عراقی بود، پنهان نکردند، بلکه یکی از خیابان‌های خود را به نام این تروریست القاعده نهادند و در مراسم بزرگداشت وی در اردن حضور اردنی‌های فلسطینی تبار چشم‌گیر بود، این در حالی بود که رهبران فلسطینی از مواضع شدیداً فرقه‌گرا و تکفیری زرقاوی سرکرده معدوم القاعده دقیقاً اطلاع داشتند، و می‌دانستند وی بدترین تهمت‌های فرقه‌ای را علیه بخش بزرگی از مسلمانان (مسلمانان شیعه) وارد می‌کرد و آن‌ها را از سگ‌ها و خوک‌ها بدتر می‌دانست و می‌دانستند اعضای القاعده تحت رهبری زرقاوی صدها شهروند غیر نظامی عراقی و زائران دیگر کشورهای اسلامی را در شهرهای زیارتی عراق در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی به خاک و خون کشیده‌اند البته گروه‌های سلفی تکفیری هیچ‌گاه در فلسطین به رسمیت شناخته نشدند (سادات، ۱۳۹۴، ۱۸۷).

۲- ۳- ۵، استقبال حکومت خودگردان از سرکرده تروریست‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران
مدت کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از سازمان‌های چپ مبارز علیه رژیم قبلی (رژیم شاه) به نام سازمان مجاهدین خلق به رویکرد براندازانه علیه نظام نوپای اسلامی روی آورد و با حمایت‌های آمریکا، شوروی و رژیم صدام، با عملیات تروریستی، رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران (شهید رجایی)، نخست‌وزیر (دکتر باهنر)، رئیس‌قوة قضائیه (دکتر بهشتی) و تعداد زیادی از وزراء، نمایندگان مجلس، ائمه جمعه و مسئولان مدافع آرمان فلسطین را به شهادت رساند در حملات بعدی تروریست‌های این سازمان، که در جامعه ایرانی با عنوان منافقین مشهور شدند، حدود هفده هزار نفر از غیر نظامیان عادی ایرانی قربانی شدند؛ علاوه بر این، سازمان مجاهدین خلق در جریان تجاوز نظامی عراق علیه ایران به عنوان ستون پنجم صدام به جاسوسی، شکنجه اسرای ایرانی و کمک به متجاوزان بعثی روی آورد و پس از سقوط صدام خدمات جاسوسی خود را در اختیار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار داد و این امور چیزی نبود که از دید مقامات فلسطینی پنهان باشد، ولی محمود عباس رئیس سافت و حکومت خودگردان فلسطین که در مجامع بین‌المللی به عنوان نماینده



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت نوراست العالم الاسلامی

۱۴

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

رسمی فلسطین محسوب می‌شود، در استقبال از سرکرده این سازمان تروریستی یعنی مریم رجوی تردیدی به خود راه نداد و با هماهنگی رژیم صهیونیستی ملاقات گرمی را با او ترتیب داد، این در حالی است که نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون با تمام مصادیق تروریسم علیه فلسطینیان اعم از دولتی و غیردولتی مبارزه کرده و هرگاه مسئولی از فلسطینیان اعم از ساف و حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی مورد ترور قرار گرفته جمهوری اسلامی از همه توان خود جهت محکومیت تروریسم خصوصاً تروریسم دولتی صهیونیست‌ها استفاده نموده است، استقبال بالاترین مقام مسئول رسمی در تشکیلات خود گردان فلسطین از مریم رجوی سرکرده گروه تروریستی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در حالی بود که سازمان تحت رهبری وی و شوهرش (مسعود رجوی) همچنان یکی از عمده‌ترین متحدان رژیم صهیونیستی در منطقه به شمار می‌رفت و بخش عمده‌ای از منابع اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی برای ادعاهای مختلف علیه نظام اسلامی ایران، از اعضای پنهان این سازمان در ایران به دست می‌آمد از جمله درباره پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که از سال ۱۳۸۲ تاکنون (۱۴۰۳) دست‌آویز بزرگ‌ترین تحریم‌های بلوک حامی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی بوده است اعضای سازمان منافقین نقش زیادی را ایفا کردند در این باره مورخ مشهور آمریکایی گرت پورتر (Gareth Porter) در کتاب «بحران ساختگی: داستان ناگفته هراس از ایران هسته‌ای» (Manufactured Crisis the Untold Story of the Iran Nuclear Scare) می‌نویسد:

همکاری جاسوسی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و اسرائیل (رژیم صهیونیستی) به جعل اسنادی در خصوص ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران منتهی شد که ثابت می‌کند این سازمان سالهاست برای اسرائیل جاسوسی می‌کند» (irdiplomacy.ir/fa/news/(1933950))

۲- ۳- ۶، حمایت ساف از تجاوز ائتلاف نظامی سعودی - آمریکایی به یمن

در ساف ۲۰۱۵ مردم یمن با محوریت حرکت اسلامی انصار الله موفق به ساقط کردن نظام وابسته به آمریکا در صنعا شدند، و دولت نجات ملی یمن را با رویکرد ضدآمریکایی و ضد صهیونیستی تأسیس کردند که یکی از سیاست‌های محوری آن حمایت از آزادی فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی بود شور جوانان یمنی بعد از پیروزی انقلاب ۲۰۱۵ در حمایت از فلسطین و ضدیت با رژیم صهیونیستی به اندازه‌ای بود که در کلیه شهرهای بزرگ یمن شعار رسمی انصار الله با عنوان «الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، النصر للاسلام و اللعنه علی اليهود» برافراشته شد تأسیس دولت نجات ملی یمن (National Salvation Government of Yemen) اصلاً خوشایند آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های هم‌پیمان با آمریکا نظر سعودی‌ها نبود لذا در سال ۲۰۱۵ یک ائتلاف نظامی بزرگ با مشارکت آمریکا و غرب و با محوریت عربستان سعودی و امارات برای بازگرداندن عبدربه منصور دیکتاتور سابق یمن تشکیل شد این ائتلاف از زمین و هوا و دریا مردم فقیر یمن را مورد تجاوز نظامی قرارداد و موجبات یکی از خونین‌ترین و پرتلفات‌ترین تجاوزت نظامی در قرن ۲۱ میلادی را فراهم آورد، در این زمان نیز



باز رهبران ساف به‌جای حمایت از دولت نجات ملی و ملت مورد تجاوز قرار گرفته یمن، از ائتلاف نظامی متجاوز غربی - عربی حمایت کردند (خبرگزاری فلسطین (وفا)، ۶ فروردین ۱۳۹۴).

برخورد منفی رهبران فلسطینی در ساف با جنبش انقلابی مردم یمن به رهبری انصار الله در حالی بود که این جنبش توانست با سرنگون کردن حکومت وابسته به غرب در این کشور تشکیلات امنیتی و جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی را در این کشور عربی نابود کند در این باره روزنامه لس آنجلس تایمز به تاریخ ۶ فروردین ۱۳۹۴ نوشت: ... اسناد اطلاعاتی نیروهای امنیتی یمن که جزئیات فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در آن‌ها تشریح شده بود، به دست جنبش انصار الله یمن افتاده است، همین امر موجب شده تا اسامی عوامل آمریکا در یمن و همچنین طرح‌های واشنگتن برای انجام عملیات در این کشور، لو برود، پیشروی‌های جنبش انصار الله یمن، خسارت شدیدی به شبکه اطلاعاتی آمریکا در این کشور وارد کرده است. (mshrgh.ir/(400321)

به شهادت این منابع سرنگونی عبدربه منصور دیکتاتور غرب‌گرای یمن ضربه بزرگی به آمریکا و تبع آن رژیم صهیونیستی در یک کشور مهم عربی بود و طبعاً خدمت شایانی به مردم فلسطین به شمار می‌رفت ولی این تحول مورد استقبال ساف قرار نگرفت این در حالی بود که دولت نجات ملی یمن با رویکرد ضد صهیونیستی خود و هواداری از ملت فلسطین انتظار داشت رهبران ساف در خصوص حمله ائتلاف غربی - عربی به این کشور حداقل موضع بی‌طرفی اتخاذ کنند ولی رهبران ساف به حمایت از حمله نظامی ائتلاف آمریکایی - سعودی پرداختند حمله‌ای که به نابودی زیرساخت‌ها و کشته و مجروح شدن صدها هزار نفر از غیرنظامیان یمنی منجر شد ولی نهایتاً پیروز این میدان نیز دولت نجات ملی یمن و جریان مقاومت اسلامی بود که توانست ائتلاف سعودی - آمریکایی را وادار به آتش‌بس و به رسمیت شناختن دولت نجات ملی مستقر در صنعاء نماید.

جدول شماره ۱: مواضع سیاسی ساف در قبال تجاوزات و تهدیدات نظامی در خاور میانه
۴/۲. برخورد سرد ساف با سیاست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر آزادی تمام فلسطین

ایرانیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی موفق شدند مسئله آزادی فلسطین را از یک آرمان عربی به یک نهضت دینی اسلامی فراگیر تبدیل کنند به طوری که در دنیای اسلام، نهضت آزادی فلسطین یا بازگشت مسلمانان به فلسطین مشابه نهضت بازپس‌گیری اندلس از مسلمانان توسط دنیای مسیحیت (رِکونکیستا) (Reconquista) راه‌اندازی شد، این موضوع بزرگ‌ترین خدمت به آرمان فلسطین به شمار می‌رفت و طبعاً می‌بایست از طرف دولت‌های عربی و مقامات دولت محلی فلسطین (ساف و سپس دولت خودگردان) مورد استقبال قرار می‌گرفت اما نگاهی به مواضع آن‌ها نشان می‌دهد آنان در صدد نیامدند از این فرصت ارزشمند جهت منافع ملت فلسطین استفاده کنند و حتی بعضاً در مقابل حمایت‌های روسای جمهور ایران موضع گرفتند به طور مثال در بین روسای جمهوری اسلامی ایران محمود احمدی‌نژاد یکی از جدی‌ترین روسای جمهور در خصوص حمایت از آزادی تمام سرزمین فلسطین در جهان اسلام به شمار می‌رفت و شگفت این‌جاست که بیشترین حملات دولت خودگردان نیز علیه

این رئیس جمهور ثبت شده است به طور مثال نبیل ابوردینه سخنگوی تشکیلات خودگردان فلسطینی درباره محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران چنین موضع گیری کرد:

کسی که مردم ایران را نمایندگی نمی کند، کسی که نتایج انتخابات را دست کاری می کند، کسی که مردم ایران را تحت ستم قرار داده و حق حاکمیت را به سرقت برده ندارد!! حق صحبت راجع به فلسطین، رئیس جمهور آن یا نمایندگان آن را ندارد!.

و یا در سپتامبر ۲۰۱۰، عمر الغول از مقامات ساف چنین اعلام کرد که:

« زمان آن رسیده است که به «رژیم مرگ و نابودی» ایران خاتمه داده شود!!».

و یا سخنگوی فتح اسامه القواسمی اعلام کرد که:

«ایران در تلاش است تا در فلسطین تفرقه ایجاد کند، در بین مناطق عربی جنگ های داخلی و فرقه ای و قومی ایجاد کند و به این خاطر نمی تواند برای مردم فلسطین استفاده ای داشته باشد!!!» (Iran-Palestine_relations)

۲- ۶، امضای نمایندگی ساف ذیل بیانیه های مربوط به ادعای ارضی علیه جمهوری اسلامی ایران معمول کشورهای عربی با کشورهای همسایه خود اختلاف ارضی دارند از جمله اختلاف ارضی سوریه با ترکیه در خصوص منطقه انطاکیه (هاتای) (Hatay) و اختلاف ارضی مراکش با اسپانیا در خصوص شهرهای ملیله و سبتة (Melilla and Ceuta) (واقع در جنوب جبل الطارق چسبیده به خاک اصلی مراکش) و... که فهرست بلندی را تشکیل می دهد از جمله این اختلافات ارضی، ادعای شارجه (یکی از شیخ نشین های هفتگانه تشکیل دهنده امارات متحده عربی) نسبت به سه جزیره کوچک ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی) در خلیج فارس می باشد این جزایر همانند جزیره بحرین مطابق اسناد و نقشه های تاریخی جزء قلمرو ایران محسوب می شده اند ولی مدتی به اشغال انگلیسی ها درآمدند و در سال ۱۳۵۱ انگلیسی ها که خلیج فارس را ترک می کردند جزیره بحرین را به ایران برگرداندند و آن را به خاندان وابسته به خود یعنی آل خلیفه سپردند ولی نسبت به دیگر جزایر ایرانی از جمله سه جزیره یادشده فوق، حق حاکمیت ایران را به رسمیت شناختند (ر.ک: عجم، ۱۳۸۸) و آن ها مجدداً تحت حاکمیت ایران قرار گرفتند هم زمان با خروج انگلیس، شیخ نشین شارجه نسبت به جزیره بوموسی ادعاهایی را مطرح نمود اما به لحاظ هم پیمان بودن رژیم وقت ایران (شاه) با آمریکا و غرب، رژیم های عربی از ادعای شارجه نسبت به این جزایر چشم پوشی کردند و عملاً حاکمیت ایران بر آن جزایر را پذیرفتند این در حالی بود که رژیم شاه با رژیم صهیونیستی روابط مستحکمی داشت ولی به رغم این روابط گرم شاه با رژیم صهیونیستی، بیانیه های سران اتحادیه عرب خالی از حمایت از ادعای ارضی شارجه علیه جزایر ایرانی بود چراکه نمی خواستند رژیم شاه را که متحد آمریکا و رژیم صهیونیستی بود از خود برنجانند، ولی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس نظام جمهوری اسلامی و قطع رابطه ایران با رژیم صهیونیستی و حامی اصلی آن یعنی آمریکا، رژیم های عربی طرفدار غرب به ناگاه تغییر موضع دادند و به جبهه تشکیل شده توسط آمریکا، غرب



و رژیم صهیونیستی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پیوستند و برای فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی ایران به زنده کردن طرح ادعای ارضی شارجه علیه جمهوری اسلامی پرداختند از جمله ابتدا ابوظبی برای حفظ اتحاد شیخ‌نشین‌های هفتگانه تشکیل‌دهنده امارات متحده عربی اعلام کرد که ادعای ارضی شیخ‌نشین شارجه نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی اختلاف ارضی کشور امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و سپس کوشید این ادعای ارضی را در بیانیه‌های اتحادیه عرب بگنجاند (مجتهد زاده، ۱۳۷۲، ۱۰۳-۸۵) و شگفت اینجا بود که نمایندگی سیاسی فلسطین در اتحادیه عرب نیز به این بند ضد ایرانی رأی مثبت داده بود این در حالی بود که نمایندگی فلسطین می‌توانست از دادن رأی به بیانیه‌های ضد ایرانی خودداری نماید ولی سابقه سیاست خارجی ساف نشان داده است مواضع آن‌ها در اتحادیه عرب تابع مواضع کشورهای هم‌پیمان غرب و به تبع آن حامیان رژیم صهیونیستی بوده است. (ر.ک: نورانی، ۱۶۸، ۱۳۷۶).

جدول شماره ۲: اختلافات ارضی کشورهای عربی با همسایگان و موضع نمایندگی سیاسی فلسطین

۷/۲، عدم موضع‌گیری ساف در مقابل ادعاهای تجزیه‌طلبانه ضد ایرانی

مواضع ضد ایرانی نمایندگی‌های سیاسی فلسطین در اتحادیه عرب نسبت به حمایت از ادعاهای صدام و شیوخ امارات علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران این سؤال را نیز در ذهن تحلیل‌گران به وجود آورد که اگر اتحادیه عرب با تحریک غرب و رژیم صهیونیستی مواضع و ادعاهای غیر منطقی تجزیه‌طلبانه دیگری را نیز علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح کند؛ آیا باز نمایندگی فلسطین با فراموش کردن حمایت‌های نظام اسلامی ایران از فلسطینیان به مواضع ضد ایرانی رأی مثبت خواهد داد؟ طبیعی است با توجه به سابقه حمایت نمایندگی‌های سیاسی فلسطین از ادعاهای صدام و امارات علیه جمهوری اسلامی ایران، در این موضوع نیز آن‌ها همانند قبل عمل خواهند کرد و یکی از نشانه‌های آن این است که بعد از تأسیس نظام اسلامی در ایران و رویکرد ضد صهیونیستی این نظام، آمریکا و رژیم صهیونیستی یکی از راه‌های مقابله با نظام اسلامی را حمایت از تجزیه طلبی در ایران تشخیص دادند لذا هر چند وقت یک‌بار کنفرانس تعداد معدودی تجزیه طلب عرب‌زبان در خصوص استان خوزستان ایران، در برخی نقاط از جمله قاهره برپا می‌کردند در این کنفرانس‌ها دبیر کل وقت اتحادیه عرب با اشاره رژیم مبارک به حمایت از تجزیه طلبی در ایران می‌پرداخت در آن زمان مسولان نمایندگی فلسطین در اتحادیه عرب از این موضع دبیر کل اتحادیه عرب علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران اعلام برائت نکردند این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در سطح بالاترین مقامات سیاسی در طول بیش از چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت به هر طرح و اقدامی که به تجزیه خاک فلسطین و زیر پا گذاشته شدن حقوق حقه فلسطینیان در کل سرزمین فلسطین باشد واکنش نشان داده‌اند و آن را محکوم کرده‌اند و از آن برائت جسته‌اند و شگفت اینجاست که اعضای اتحادیه عرب از جمله نمایندگی فلسطین هیچ‌گاه حساسیتی را که در مقابل مناطق فارس - عرب نشین ایران از خود نشان داده‌اند درباره مناطق ترک - عرب نشین ترکیه (انطاکیه)، مناطق عرب نشین

ولیله و سبته اسپانیا و نقاط عرب نشین دیگر کشورها نشان نداده اند.

۲- ۸، همراهی ساف با سیاست صهیونیست‌ها در جایگزین کردن شیعه هراسی و ایران هراسی به جای صهیونیسم هراسی

۲- ۸- ۱، مصادیق همراهی ساف با طرح‌های شیعه هراسی

در جریان انقلاب اسلامی ایران هیچ‌گاه مسأله سنی و شیعه یا فارس و عرب مطرح نبود و تنها صحبت از انقلابی بود که با محوریت اسلام یک رژیم هوادار آمریکا و رژیم صهیونیستی را ساقط کرد با انقلاب اسلامی، ایران به حامی همبستگی جهان عرب و مدافع آزادی فلسطین تبدیل شد (یوسف زاده، ۱۳۸۴، ۴۲) آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مقابله با این نظام نوپا تبلیغات خود را در منطقه بر دو محور قراردادند: الف- اختلاف‌های تاریخی فارس و عرب ب- اختلاف‌های تاریخی و کلامی سنی و شیعه، که در نهایت مسلمانان خصوصاً اعراب را به این نتیجه برسانند که ایرانی‌ها شیعه و فارس هستند و هیچ ارتباطی به جهان عرب و اهل تسنن و حمایت از فلسطین ندارند، با این حال جمهوری اسلامی توانست با حمایت از مقاومت اسلامی لبنان رژیم صهیونیستی را در تجاوز به این کشور عرب به شکست بکشاند این پیروزی، محبوبیت مقاومت اسلامی را در دنیای عرب و اسلام افزایش داد و آمریکا، رژیم صهیونیستی و پادشاهی‌های عرب را به وحشت افکند، و آن‌ها را به این نتیجه رساند که تنها راه حفظ امنیت اسرائیل، ترویج شیعه هراسی و ایران هراسی از طریق دامن زدن به اختلاف شیعی- سنی و ایجاد درگیری‌های فرقه‌ای و قومی در جهان عرب علیه مسلمانان شیعه و جمهوری اسلامی ایران است. (irdiploma- cy.ir/fa/news/1916397)

لذا تبدیل دو قطبی «مقاومت-سازش» به دو قطبی اختلاف‌برانگیز «شیعه-سنی» و «فارس-عرب» در برنامه قرار گرفت مطابق این برنامه سازمان‌های جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی و استخبارات رژیم‌های عربی همسو با آنان کوشیدند ضمن دامن زدن به اختلافات شیعی- سنی، اقدامات جمهوری اسلامی ایران در حمایت از آرمان فلسطین را طائفی و فرقه‌ای تفسیر کنند! (ساسانیان، ۱۳۹۴/۱۰/۳: شناسه ۵۹۲۰۷۸) تلاش‌های آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های همسو با آنان در ترویج اختلاف بین شیعه و سنی بسیار گسترده بود به طوری که در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی کشمکش‌های سنی- شیعی در خاورمیانه اوج گرفت ولی این کشمکش‌ها، قبل از آنکه اصالت عقیدتی داشته باشد، ساخته و پرداخته دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آن‌ها باهدف منزوی کردن جمهوری اسلامی و محور مقاومت اسلامی بود و شگفت این‌جا بود که رهبران تشکیلات خودگردان خواسته یا ناخواسته تکمیل‌کننده بخشی از پازل‌های این طرح عبری- غربی واقع شدند به طور مثال محمود عباس رئیس ساف و تشکیلات خودگردان فلسطین با موج رسانه‌ای تفرقه‌گرایی مذهبی سال ۲۰۱۳ که با محوریت رسانه‌های صهیونیستی بود، همراه شد و در اظهارات خود، موضع بسیار افراطی علیه مسلمانان شیعه گرفت و خواسته صهیونیست‌ها مبنی بر کمرنگ نشان دادن خطر رژیم صهیونیستی و در مقابل، پر رنگ نشان دادن



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه نرسانت العالم الاسلامی
فصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۸

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

خطر ساختگی مسلمانان شیعه را بر زبان آورد و اعلام کرد: « شیعیان مدعی هستند که اسرائیل به دنبال تجزیه‌ی کشورهای اسلامی است و بزرگ‌ترین دشمن به حساب می‌آید، ولی فتنه‌ی شیعیان از اسرائیل خطرناک تر است! » وی از این‌که جوانان فلسطینی با پیروی از مکتب جهادی اهل بیت پیامبر (ص) و الگو قرار دادن امام خمینی (ره) و شاگردانش نظیر شهید فتاحی شقاقی و شهید سید حسن نصرالله توانستند در غزه و کرانه باختری ضربات سختی به صهیونیست‌ها بزنند آشفته بود لذا به مواضع فرقه‌گرایانه روی آورد و اعلام کرد:

مذهب شیعه در حال رشد در فلسطین است، با تمامی نیرو و نخواستیم گذاشت که فلسطینیان آلوده به تشیع شوند!! دلیل رشد تشیع در فلسطین گروه فتح است، صحبت‌هایی با گروه حماس (نیز) جهت جلوگیری از تشیع شده است و...!!! . (shiaudies.com/fa/?p=16950)

۲-۸-۲، مصادیق همراهی ساف با طرح‌های ایران هراسی

سیاستمداران صهیونیست همواره در نشست‌های امنیتی بین‌المللی نظیر کنفرانس امنیتی مونیخ (Munich Security Conference) و کنفرانس امنیتی هرتزلیا (Herzliya Conference) و کنفرانس‌های مشابه همواره کوشیده‌اند موضوع اشغال فلسطین و آوارگی میلیون‌ها فلسطینی را از دغدغه اصلی خاورمیانه خارج کرده و خطر اصلی را جمهوری اسلامی معرفی کنند. (irdiplomacy.ir/fa/news/1934330)

و در این راه از همکاری آمریکا، غرب و متحدان منطقه‌ای آن‌ها برخوردار بوده‌اند اما شگفت این‌جا بود که نمایندگان ساف به عنوان نمایندگان رسمی سیاسی فلسطین در مجامع بین‌المللی بعضاً با این هدف صهیونیست‌ها همراهی کردند، به‌طور مثال بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا که از مدافعان سرسخت رژیم صهیونیستی بود رژیم سعودی وی را در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ (۱۷ مه ۲۰۱۷) به عنوان اولین سفر خارجی به ریاض دعوت کرد و سران کشورهای اسلامی را نیز همزمان به یک نشست مشترک با ترامپ در ریاض فراخواند و تنها بلوک مقاومت (ایران، سوریه و دولت نجات ملی یمن) را از دعوت به این نشست حذف کرد یکی از مهم ترین اهداف سعودی‌ها از نشست سران کشورهای اسلامی با حضور ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا این بود که سران کشورهای اسلامی را پشت سر آمریکا و به تبع آن رژیم صهیونیستی در مقابل بلوک مقاومت قرار دهد و



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

گام‌های اولیه تأسیس ناتوی عربی را برای مقابله با جبهه مقاومت اسلامی بردارد و عملاً موضوع فلسطین به عنوان دغدغه اصلی اجلاس سران کشورهای کنفرانس اسلامی به فراموشی سپرده شود بر همین اساس رژیم سعودی در پایان این نشست بیانیه‌ای جهت‌دار علیه نظام اسلامی ایران و بلوک مقاومت تنظیم نمود و بدون اشاره به اقدامات تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی در منطقه تنها جمهوری اسلامی ایران را به برهم زدن امنیت و ثبات منطقه و جهان و حمایت از تروریسم متهم کرد! و کشورهای اسلامی را به قطع رابطه با ایران فراخواند؛ (fa.alalam.ir/news/1971535)

ترامپ نیز پس از پایان این نشست سران اسلامی! خوشحال از نتایج آن به سرزمین‌های اشغالی رفت و در آنجا انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس را اعلام نمود! اگرچه مقامات سعودی سران ۵۴ کشور اسلامی شرکت کننده در نشست ریاض را در عمل انجام‌شده قراردادند و بیانیه پایانی نشست را بر اعضا تحمیل کردند ولی جای این سؤال برای همگان باقی ماند که اولاً چرا ساف به عنوان نماینده به رسمیت شناخته شده سیاسی فلسطین در این اجلاس ضد ایرانی - فلسطینی در بالاترین سطح شرکت کرد و چرا نماینده سیاسی فلسطین پس از اطلاع از بیانیه این نشست همچون نماینده سیاسی لبنان در مقابل آن موضع‌گیری نکرد؟ جواب این سؤال دقیقاً به موضع ساف و تشکیلات خودگردان در نشست‌های قبلی اتحادیه عرب و کنفرانس اسلامی برمی‌گردد چراکه نمایندگی سیاسی فلسطین پای ثابت حضور در معمول نشست‌های ضد مقاومت اسلامی و ضد ایرانی بوده است و به عبارت دیگر اگر رئیس رژیم صهیونیستی نیز در این نشست‌ها حضور داشت همان کاری را می‌کرد که رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین انجام می‌داد و به تعبیری محمود عباس قبل از اینکه نماینده فلسطینیان در این گونه اجلاس باشد از صهیونیست‌ها و منافع آن‌ها نمایندگی می‌کرد. (tasnimnews.com/fa/news/1423117)

جدول شماره ۳. مواضع نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از فلسطین در اجلاس‌های بین‌المللی

جدول شماره ۴: مواضع نامتجانس نمایندگی سیاسی فلسطین در خصوص جمهوری اسلامی ایران

۹-۲. عملکرد و مواضع ضعیف تشکیلات خودگردان در قبال عملیات "طوفان الاقصی"

یکی از نمونه‌های بارز ناتوانی تشکیلات خودگردان در دفاع از حقوق فلسطینیان عملکرد و مواضع ضعیف تشکیلات خودگردان در قبال عملیات "طوفان الاقصی" بود این عملیات که عکس العمل طبیعی فلسطینیان در مقابل ۷۵ سال اشغال‌گری و جنایات صهیونیست‌ها بود در اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس آغاز شد، به عنوان یکی از بزرگترین حملات علیه اسرائیل شناخته می‌شود و ضربه‌ای جدی به ساختار امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی وارد کرد. در مقابل، ساف نه تنها در این عملیات نقشی نداشت، بلکه مواضعی بی‌تفاوت و غیر مؤثر از خود نشان داد. بعد از عملیات طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی به انتقام‌گیری روی آورد و بزرگترین جنایات را علیه غیر نظامیان فلسطینی به اجرا گذاشت لذا جریان مقاومت اسلامی در لبنان، عراق، یمن و جمهوری اسلامی ایران به مقابله

پرداختند ولی موضع و عملکرد ساف هیچ‌گاه در حد انتظارات ملت فلسطین و جریان مقاومت اسلامی نبود البته به دلیل وسعت عملیات طوفان الاقصی و وقایع بعد از آن ضروری است تفصیل عملکرد ساف و تشکیلات خود گردان در خصوص آن به مقاله دیگری موکول شود.



نتیجه

حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان آزادی فلسطین، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بر مبنای اصول انسانی و اسلامی شکل گرفته و همواره بدون خدشه و تغییر ادامه یافته است. این حمایت در چارچوب تئوری‌های عدالت بین‌المللی و همگرایی اسلامی، بیانگر تعهد به یک آرمان جهانی است که فراتر از منافع سیاسی مقطعی یا واکنش به مواضع دیگران عمل می‌کند. بر اساس نظریات عدالت خواهانه جهانی، حمایت از ملت‌های مظلوم نباید وابسته به منافع لحظه‌ای یا رفتار متقابل آن‌ها باشد، بلکه باید بر اصول انسانی و اخلاقی استوار باشد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران همواره به تعهدات خود در قبال فلسطین پایبند بوده و این رویکرد را در سیاست خارجی خود دنبال کرده است. و از منظر نظریات همگرایی اسلامی، حمایت ایران از فلسطین نه تنها به عنوان یک وظیفه دینی و انسانی بلکه به عنوان یکی از راهبردهای اصلی برای ایجاد اتحاد میان جهان اسلام در مقابله با دشمن مشترک، یعنی رژیم صهیونیستی، تلقی می‌شود. و برخلاف مواضع متغیر و بعضاً متضاد رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و تشکیلات خودگردان، ایران همواره بر اصول ثابت خود استوار بوده و از مواضع حمایتی خود نسبت به ملت فلسطین عقب‌نشینی نکرده است. این در حالی است که رهبران ساف، در مواقعی نظیر تجاوزات صدام حسین، رژیم سعودی و دیگر بازیگران ضد ایرانی از متجاوز حمایت کرده‌اند، اما ایران هیچ‌گاه در مقابل این مواضع دست به اقدام متقابل نزده است. رفتار جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مطابق با مدل نظری "دیپلماسی اسلامی" است؛ مدلی که بر پایبندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی حتی در مواجهه با رفتارهای متناقض دیگران تأکید می‌کند. ایران همواره حمایت خود از ملت فلسطین را به عنوان یک وظیفه انسانی و اسلامی در نظر گرفته و این سیاست را حتی در برابر مواضع خصمانه ساف و تشکیلات خودگردان نیز حفظ کرده است. پس از سال ۲۰۰۶ و کنترل نوار غزه توسط حماس، ایران نه تنها حمایت خود را از حماس ادامه داد، بلکه همچنان به حمایت از فلسطینیان ساکن کرانه باختری و حتی فلسطینیان ساکن سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ نیز ادامه داد. این رویکرد نشان می‌دهد که سیاست ایران بر مبنای نگاه عام به کل ملت فلسطین است و صرفاً حمایت از یک جناح و یا گروه خاص را در نظر نداشته است. نتیجه دیگر این مقاله این است که سیاست‌های نامتجانس رهبران ساف و تشکیلات خودگردان، به‌ویژه در هم‌پیمانی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جریان مقاومت اسلامی، قبل از هر چیز آسیب‌های جدی به آرمان آزادی فلسطین وارد کرده است. این مواضع باعث کاهش همگرایی اسلامی در حمایت از مسئله فلسطین شده و فرصت‌های تقویت جبهه مقاومت اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی را محدود کرده است. علاوه بر این عملکرد و مواضع خصمانه سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) علیه جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت اسلامی، به‌ویژه در زمان‌های حساس تاریخی مانند



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۲۲

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳



تجاوزات رژیم بعث عراق، حمایت از تجاوز نظامی به یمن، و هم‌پیمانی با رژیم‌های ضدایرانی، نشان داده است که ساف عملاً قصد بهره‌برداری از حمایت‌های جمهوری اسلامی و جریان مقاومت اسلامی به نفع ملت فلسطین را نداشته و به این ترتیب به به تضعیف آرمان آزادی فلسطین دامن می‌زند. همچنین مواضع ضعیف و عملکرد نامتجانس ساف، در قبال عملیات بزرگ «طوفان الاقصی» که توسط گروه‌های مقاومتی مانند حماس شکل گرفت، بیش از پیش ناتوانی این سازمان را در نمایندگی ملت فلسطین آشکار ساخت. و ثابت کرد ساف لیاقت و توانایی لازم برای رهبری فلسطینیان و نمایندگی از حقوق این ملت مظلوم را ندارد. به همین دلیل، ضروری است سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سمتی هدایت شود که حماس به‌عنوان نماینده اصلی ملت فلسطین در مجامع بین‌المللی معرفی و مورد حمایت رسمی و دیپلماتیک قرار گیرد.

پیشنهادهات

۱. بازنگری در روابط دیپلماتیک با ساف

با توجه به عملکرد ضعیف و نامتناسب ساف، ایران باید در مسیر کاهش روابط دیپلماتیک خود با ساف گام بردارد و هم‌زمان با اعمال فشار بر ساف، آن را به تغییر مواضع خود ترغیب کند. این رویکرد می‌تواند به تقویت محور مقاومت و افزایش توان مبارزه در برابر رژیم صهیونیستی و بازپس‌گیری حقوق ملت فلسطین منجر شود.

۲. اعلام رسمی حماس به‌عنوان نماینده اصلی فلسطین در مجامع بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران باید به‌صورت رسمی حماس را به‌عنوان نماینده مشروع ملت فلسطین معرفی کند و این گروه را در محافل بین‌المللی به‌عنوان نماینده اصلی فلسطینیان به رسمیت بشناسد. این اقدام می‌تواند به تقویت موضع مقاومت در سطح جهانی کمک کند.

۳. ایجاد وحدت رویه در میان رسانه‌ها در معرفی حماس به‌عنوان نماینده رسمی فلسطین

مراکز رسانه‌ای در جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسو با مقاومت اسلامی می‌بایست سیاست تمرکز رسانه‌ای خود را از ساف به‌سوی گروه‌های مقاومتی مانند حماس و جهاد اسلامی سوق دهند و حماس را به‌عنوان نماینده رسمی فلسطین معرفی کنند.

۴. تقویت ائتلاف‌های علمی و دانشگاهی منطقه‌ای و جهانی حامی مقاومت

مراکز علمی در جمهوری اسلامی می‌توانند با ایجاد ائتلاف‌های علمی هوادار مقاومت اسلامی در سطح منطقه‌ای، به‌ویژه با کشورهای محور مقاومت (لبنان، سوریه، عراق، و یمن)، و در سطح جهانی، حماس و گروه‌های را به‌عنوان نمایندگان ملت فلسطین به دانشگاهیان معرفی نمایند و جبهه واحدی را در دانشگاه‌ها در مقابل رژیم صهیونیستی تشکیل دهند.

منابع

۱. احمد رضا روح الله زاد، عرفات؛ از «مقاومت» رانده و در «مذاکره» مانده، خبرگزاری بین‌المللی قدس، تاریخ انتشار: ۲۱/۸/۱۳۹۷، شناسه مطلب: ۳۲۰۳۴۴.
۲. امیری، مهدی؛ فلسطین جایگزین اسرائیل بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی، زمانه، آذر ۱۳۸۴ - شماره ۳۹.
۳. پورتر، گرت، - م، بحران ساختگی: داستان ناگفته تهدید هسته‌ای ایران، ترجمه معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس، تهران: موسسه خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳.
۴. خبرگزاری مهر، تنها دفعه‌ای که صدام به ایران دروغ نگفت، شناسه خبر، ۱۳۹۳.
۵. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، جلد شانزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
۶. دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، روابط خارجی ایران و اتحادیه عرب، ۱۳۸۴.
۷. رجبی، امید، در سودای قدرت و خدمت (درباره یاسر عرفات) روزنامه نسل فردا، شماره ۵۵۴۳ روزنامه نسل فردا، ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۶.
۸. شریف‌زاده، مرجان، ابعاد حمایت‌های عربستان از رژیم بعثی صدام در دوران جنگ تحمیلی، خبرگزاری صداوسیما، ۲ مهر ۱۳۹۵.
۹. قنديل، غالب، موضع جمهوری اسلامی در حمایت از فلسطین ثابت بوده، خبرگزاری دانشجو، ۲ بهمن ۱۳۹۶.
۱۰. مأمون کیوان؛ ایران و فلسطین: جذور واقع‌العلاقة، شؤون عربیة، ربیع الأول ۱۴۲۲ - العدد ۱۰۶.
۱۱. المانی‌تور، تنوع طلبی ایران در استراتژی فلسطین، ترجمه تحریریه دیپلماسی ایرانی، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲.
۱۲. معجذ زاده، پیروز، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، مترجم: حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
۱۳. مرادی مقدم، مراد، تاریخ سیاسی و اجتماعی پشت کوه در دوران والیان فیلی، مطالعات ملی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵.
۱۴. موسوی، حسین، آینده روابط ایران و اعراب، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷.
۱۵. مهتدی، محمدعلی، تلاش برای حصر ایران در کمربندی از وهابیت، پایگاه تحلیلی دیپلماسی ایرانی، شناسه: ۱۹۱۶۳۹۷، ۵ خرداد ۱۳۹۲.
۱۶. نقاش، انیس، «صدام» سران «فتح» را ترور کرد، میزگرد میادین، ۱۷ بهمن ۱۳۹۷.
۱۷. هانی زاده، حسن، مقاله فلسطین و کج‌راهه سیاسی، خبرگزاری تحلیلی ایران (خبر آنلاین)، تاریخ انتشار ۳ مهر ۱۳۹۶.
۱۸. نوفل، حسان. العلاقات الإيرانية الفلسطينية وأثرها على المقاومة. القاهرة: المركز العربي للدراسات، ۲۰۱۹.
۱۹. الشامي، عبد الله. تاريخ العلاقات الإيرانية الفلسطينية. بيروت: دار الفارابي، ۲۰۱۸.
20. - Ehteshami, H., & Hinnebusch, R. Iran and Palestine: Past, Present, Future. London: Routledge, 2013.
21. - Bard, S. The Foreign Policy of Hamas and the Iranian Connection. New York: Palgrave Macmillan, 2021.
22. RICHARD HOROWITZ Why Is Iran Shipping Arm to Hamas and Hezbollah? Blaze



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام
جمعیت‌تراسف العالم الاسلامی

۲۴

سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

Media / World, April 09, 2014.

23. Rajaei, Farhang, The Iran-Iraq war: the politics of aggression. Gainesville: The University of Florida. pp. 1993.
24. Shlaim, Avi (2007). Lion of Jordan; The Life of King Hussein in War and Peace. London: Allen Lane. ISBN 978-0-7139-9777-4.

ی‌ن‌رت‌ن‌یا ی‌ل‌ل‌ح‌ت و ی‌ر‌ب‌خ‌یا ه‌ا‌گ‌ی‌ا‌پ

25. <http://www.ensafnews.com/80888>
26. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1934330>
27. <http://qodsna.com/fa/352661/27>
28. <http://qodsna.com/fa/357470>
29. http://valiasr-aj.com/persian/mobile_shownews.php?idnews=758
30. <https://www.alwahabiyah.com/fa/Newsview/8560>
31. <http://www.ensafnews.com/80888/>
32. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1916397>
33. <https://en.wikipedia.org/wiki/Reconquista>
34. <https://fa.alalam.ir/news/1971498>
35. <https://images.hamshahronline.ir/hamnews/1385/850321/news/kharj.htm>
36. <https://psri.ir/print.php?id=ennvr4g7>
37. <https://www.borna.news>
38. <https://www.cloob.com/u/daneshvareza/1337125>
39. <https://www.dana.ir/news/592078.html>
40. <https://www.irna.ir/news/82440540>
41. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=248884>
42. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/03/10/1423117>
43. www.ensafnews.com
44. www.mashreghnews.ir/news/400321
45. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/page/210>
46. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1916397>
47. www.ibna.ir/fa/report/322670

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۱۰۱

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

زارع خورمیزی، محمدرضا (۱۴۰۳)، «تحلیل مواضع نامتجانس رهبران ساف در قبال حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت اسلامی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۴، ش ۱، بهار ۱۴۰۳، صص ۱-۲۵.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام